

طراحی الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان و ارزشیابی آن از دیدگاه متخصصان برنامه درسی، کارآفرینی و مربیان

بتول سبزه^۱

تاریخ وصول: ۹۴/۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۱۶

چکیده

هدف از انجام این تحقیق «طراحی الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان و ارزشیابی آن از دیدگاه متخصصان برنامه درسی، کارآفرینی و مربیان» است. این تحقیق به لحاظ هدف، کاربردی؛ به لحاظ ابزار از نوع ارزشیابی و روش انجام آن، زمینه‌ای است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل کلیه متخصصان برنامه‌ریزی درسی و متخصصان کارآفرینی شاغل در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و مربیان شاغل در مراکز پیش از دبستان شهر تهران است که در دوره تربیت مربی کودک در مرکز جهاد دانشگاهی تهران در سال ۹۲-۹۳ شرکت کرده‌اند. حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده و در مجموع ۲۰۸ نفر انتخاب شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسش‌نامه محقق ساخته است که بر اساس الگوی برنامه درسی کارآفرینی طراحی و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی (خی دو) استفاده شده است. برای طراحی الگوی برنامه درسی کارآفرینی ابتدا مولفه‌های کارآفرینی شامل سه مولفه دانش، نگرش و مهارت استخراج و عناصر برنامه درسی شامل اهداف، محتوا، روش تدریس و روش ارزشیابی، بر اساس هر مولفه تنظیم گشت. نتایج کلی تحقیق نشان داد که: بر اساس الگوی برنامه درسی طراحی شده در این تحقیق، منظور از کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان فقط آموزش کسب و کار نیست، بلکه کارآفرینی به عنوان یک نگرش و سبک زندگی، در قالب الگوی برنامه درسی کارآفرینی و بر پایه سه مؤلفه اصلی دانش، نگرش و مهارت کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان طراحی شده و محورهای اصلی آن بر اساس و ویژگی‌های رشدی کودکان از قبیل: خلاقیت، تمایل به کار و تلاش مستمر، کنجکاوی، پویایی و فعالیت مداوم، مثبت‌اندیشی، استقلال‌طلبی، میل به موفقیت و مسئولیت‌پذیری تنظیم شده است. همچنین نتایج ارزشیابی الگو بر اساس نظر متخصصان کارآفرینی، برنامه‌ریزان درسی و مربیان درباره الگوی طراحی شده، مناسب بوده و آن را تایید کرده است. لذا بر اساس یافته‌های این تحقیق، آموزش

۱. استادیار علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران batoolsabzeh@yahoo.com

کارآفرینی در قالب الگوهای برنامه درسی، از سنین قبل از دبستان، جهت زمینه سازی و پرورش کودکانی خودشکوفای، کارآمد و مستقل پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: برنامه درسی، طراحی، الگو، ارزشیابی، کودکان پیش دبستان.

مقدمه

کارآفرینی^۱ در طول تاریخ همواره توجه افراد مختلفی از جمله اقتصاددانان، روانشناسان، سیاستمداران و جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است و هرکدام از زاویه دید خود تعاریف مختلفی از آن ارائه نموده اند (فیض بخش و عبداللهی، ۱۳۸۹) اما یک تعریف عام و پذیرفته شده از آن ارائه نشده است (پرداختچی و شفیعی زاده، ۱۳۸۵).

اصطلاح کارآفرینی برای نخستین بار توسط کانتیلون^۲ (حدود سال ۱۷۰۰ میلادی) درباره اشخاصی که ریسک را می‌پذیرند و با تامین کنندگان سرمایه فرق دارند، به کار برده شد (کلیبی^۳، ۱۹۷۱ به نقل از شکرکن و دیگران، ۱۳۸۱: ۲) ولی شومپتر^۴ کاربرد عام اصطلاح کارآفرینی را در حوزه اقتصادی به «میل»^۵ (۱۸۴۸) نسبت می‌دهد. بعد از «میل» شومپتر (۱۹۳۴) از منظر دیگری به کارآفرینی توجه داشته است، وی به نوآوری و نقش آن در پویایی نظام‌های اقتصادی تاکید می‌کند (احمدپورداریانی، ۱۳۷۹). از سوی دیگر مک کلند^۶ (۱۹۶۱) به نحوی مشخص و گسترده به ارائه نظریه و تبیین رابطه بین ویژگی‌های فردی با رشد و توسعه اقتصادی در زمینه‌های شغلی پرداخت و به این نتیجه رسید که پیشرفت به یک گروه یا مذهب خاص اختصاص ندارد و با رشد و توسعه برخی از ویژگی‌ها در افراد می‌توان رشد و توسعه اقتصادی را فراهم کرد. با کارهای مک کلند (۱۹۶۱) توجه از عمل کارآفرینی، به فرد کارآفرین تغییر تمرکز داد (مک کلند، ۱۹۶۱، به نقل از شکرکن و دیگران، ۱۳۸۱) و تحقیقات مختلفی در زمینه ویژگی‌ها و خصوصیات کارآفرینی در افراد صورت پذیرفت. در حال حاضر کاربرد واژه کارآفرینی بسیار گسترده شده و برهمگان آشکار شده که کارآفرینی فقط منحصر

-
1. Entrepreneurship
 2. Cantillon
 3. Kilby
 4. Schumpeter
 5. Mill
 6. McClelland

و محدود به حوزه کسب و کار نبوده، بلکه در خارج از قلمرو آن نیز، در زمینه‌های اجتماعی^۱، سیاسی^۲ و فرهنگی^۳ مطرح شده است و تعاریف جامع‌تری از مقوله کارآفرینی ارائه شده (صمدآقایی، ۱۳۹۰: ۱۵) که در آن فقط، اشتغال‌زایی یا ایجاد کسب و کار مطرح نیست، بلکه افزایش، بهبود و توسعه نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های افراد مدنظر می‌باشد (مک فرسون^۴ ۲۰۰۳، به نقل از پرهیزکار و همکاران، ۱۳۸۳) تا جایی که بعضی آن را به عنوان یک شیوه زندگی تعریف کرده (مک کلند ۱۹۶۱، به نقل از شهشانی، ۱۳۸۷) و بعضی آن را با خلاقیت و نوآوری همزاد دانسته‌اند (دراکر^۵ ۱۹۸۵، به نقل از شکرکن و دیگران، ۱۳۸۱).

لذا از میان تعاریف مختلف کارآفرینی آنچه که در رابطه با کارآفرینی کودکان در دوره‌های پیش از دبستان و دبستان مطرح است، تعاریف ارائه شده از دیدگاه روانشناسی است که در آن‌ها ویژگی‌های کارآفرینان مورد تاکید قرار گرفته و اکثر صاحب نظران اغلب خصوصیات مشابهی را به عنوان ویژگی‌های مشترک کارآفرینان ذکر کرده‌اند. از جمله رایلی^۶ (۲۰۰۱) مهمترین ویژگی افراد کارآفرین را اعتماد به نفس، خلاقیت و انگیزه پیشرفت می‌داند. (رایلی ۲۰۰۱، به نقل از شکرکن و دیگران، ۱۳۸۱: ۴) مک کلند (۱۹۶۱) ویژگی‌هایی از قبیل: انگیزه پیشرفت، مخاطره‌پذیری متوسط، نوآوری، پذیرش مسئولیت شخصی و غیره را به عنوان صفات و خصوصیات شخصیتی کارآفرینان مطرح نموده است که این مهارت‌ها و خصوصیات اغلب به عنوان پایه‌ای در رویکردهای آموزشی نظام‌های مختلف مد نظر قرار می‌گیرد.

البته ناگفته نماند که درباره آموزش مهارت‌ها و رفتارهای کارآفرینی، بحث و نظرهای فراوانی در میان محققان در طی انجام تحقیقات، راجع به این که آیا کارآفرینان با صفات و خصوصیات ویژه کارآفرینی به دنیا می‌آیند (کانینگهام و لیشرن^۷، ۱۹۹۱) یا این که می‌توان مهارت‌های کارآفرینی را آموزش داد، مطرح شده و عده دیگری از محققان (کرولیسکی و

-
1. social entrepreneurship
 2. political entrepreneurship
 3. cultural entrepreneurship
 4. McPherson
 5. Drunker
 6. Reilly
 7. Cunningham and Lischeron

والستد، ۱۹۹۸؛ کورلیسکی و اسفندیاری، ۱۹۹۷ و کورلیسکی و کارلسون، ۱۹۹۶^۱ درباره این موضوع که مهارت‌های کارآفرینی قابلیت آموزش پذیری دارند، شواهد تجربی زیادی را گردآوری و تدوین نموده‌اند و به اهمیت آموزش در توسعه و گسترش کارآفرینی پرداخته‌اند (به نقل از گروه آموزشی سازمان همیاری اشتغال دانش‌آموختگان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۶)

سیاست گذران و نظریه پردازان^۲ به اهمیت فزاینده نظام‌های آموزشی در توسعه و گسترش کارآفرینی به عنوان یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر و عامل توسعه و رشدیافتگی کشورها پی برده‌اند و با مطرح کردن اهمیت فوق‌العاده کارکردهای نظام آموزشی در زمینه آموزش کارآفرینی، این گونه بیان کرده‌اند که رشد و توسعه، حاصل و میوه آموزش است و آموزش کارآفرینی از جمله مباحث مهم در این زمینه است (کروگر و لیندهال^۳ ۲۰۰۱: ۱۱۰۳) همچنین، محققان مختلفی آموزش را به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده و تاثیرگذار بر میزان توسعه و گسترش فعالیت‌های کارآفرینانه در یک کشور قلمداد می‌کنند (ورهل^۴، آدرچ^۵، ثوریک^۶ و ونکرز^۷ ۲۰۰۲؛ به نقل از کوئیب، ورهل و زوترمر^۸، ۲۰۰۳: ۷).

در همین راستا در اکثر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، رشته‌های دانشگاهی مرتبط با کارآفرینی افزایش یافته است و دوره‌های آموزش کارآفرینی علاوه بر این که جای خود را در رشته‌های مختلف دانشگاهی باز کرده است، همچنین در دوره‌های مختلف تحصیلی مانند دبیرستان، دبستان و پیش‌دبستان نیز مورد توجه قرار گرفته است (اکبری، ۱۳۸۵: ۱۶) این امر از سالیان قبل، حدوداً در اواخر دهه ۵۰ میلادی، آغاز شده و اولین کشوری که در زمینه آموزش کارآفرینی کار کرد و ترویج فرهنگ کارآفرینی را از سطح دبیرستان شروع کرد، کشور ژاپن است (احمدپور داریانی و فیض، ۱۳۸۰) اوایل دهه ۷۰ در اروپا (کشورهای آلمان و انگلیس) و سپس در دهه ۸۰ در آمریکا و سپس در بسیاری از کشورها مانند فیلیپین (۱۹۷۴)، هند (۱۹۸۳)،

1. Kourilsky and Walstad, Kourilsky and Esfandiari, Kourilsky and Carlson.
2. Krueger and Lindahl; Reynolds, Hay and Camp; Kourilsky and Walstad; Kourilsky and Esfandiari and Kourilsky and Carlson
3. Krueger and Lindhal
4. verheul
5. Audretshch
6. Thuric
7. Wennekers
8. Kuip, Verheul & zooetermeer

سنگاپور، مالزی (۱۹۸۶) و در ایران با تشکیل ساکا^۱ در سال ۱۳۶۷ (به نقل از گروه آموزشی سازمان اشتغال فارغ التحصیلان، ۱۳۸۱) و تصویب طرح کاراد^۲ در سال ۱۳۸۱ (محمدی و همکاران، ۱۳۸۷) آموزش کارآفرینی مورد توجه قرار گرفت و امروزه در اکثر کشورها علاوه بر آموزش کارآفرینی در دوره‌های بالا، تلاش‌های گسترده‌ای نیز برای آموزش کارآفرینی به کودکان و دانش‌آموزان ابتدایی در حال انجام است که می‌توان به برنامه‌های آموزشی «جامعه کوچک^۳» در مدارس آمریکا اشاره کرد که برای کودکان اجرا می‌شود و اهدافی از قبیل: آموزش مفاهیم کارآفرینی از جنبه عملی و ترکیب کارآفرینی با موضوعات درسی را دنبال می‌نماید (الهام، سایت فکرنو، ۱۳۸۷) همچنین می‌توان به برنامه‌های آموزش کارآفرینی برای کودکان و نوجوانان در کشورهای از قبیل: کانادا^۴، چین^۵ و سنگاپور^۶ اشاره کرد که در آن‌ها آموزش نوآوری و کارآفرینی را در قالب سرگرمی و کارهای دستی به کودکان دوره‌های پیش از دبستان و ابتدایی ارائه می‌کنند. علاوه بر این در بسیاری از کشورها تلاش‌های جدی در زمینه توسعه آموزش کارآفرینی از دوره‌های پیش از دبستان و دبستان شروع شده و اقداماتی در برنامه درسی آن‌ها برای آماده سازی کودکان با وضعیت اقتصادی و اجتماعی قرن ۲۱ صورت گرفته است. در برخی از این کشورها آموزش کارآفرینی اجباری و در برخی دیگر به صورت تلفیقی با دروس مختلف به کودکان ارائه می‌شود. با این حال حدود دو سوم از کشورهای اروپایی به صراحت ضرورت آموزش کارآفرینی را تشخیص داده آن را وارد برنامه‌های درسی ملی خود در دوره پیش از دبستان و ابتدایی نموده‌اند (به نقل از ای.آ.سی.ای.آ. EACEA^۷، ۲۰۱۲). از جمله کشورهایی که در این زمینه اقدامات موثری انجام داده یا در دست اجرا دارند می‌توان به کشورهای لوگزامبورگ (۲۰۱۲)، ایرلند (۲۰۱۲)، قبرس (۲۰۱۲)، اسپانیا (۲۰۱۱)، سوئد (۲۰۱۲)، ایسلند (۲۰۱۲)، لهستان (۲۰۱۲)، بلغارستان (۲۰۱۲)، اتریش

۱. ستاد آموزش کارآفرینی ایران

۲. طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های ایران

3. Mini Society

4. Pathways to Enterprise

5. Eric Li برنامه مدارس کارآفرینی

6. Biz4Kidz Entrepreneur and Chan Ching Wai IQ Genius

7. Education, Audiovisual and Culture Executive Agency

(۲۰۰۴)، رومانی (۲۰۰۸)، مالت (۲۰۱۱)، لتونی (۲۰۱۰) و غیره اشاره کرد که همگام با برنامه طولانی مدت کمیسیون اتحادیه اروپا^۱ تا سال ۲۰۲۰ در راستای حمایت و توسعه آموزش کارآفرینی با هدف افزایش خلاقیت و نوآوری در تمام سطوح آموزش و پرورش از جمله به دوره‌های پیش از دبستان و دبستان توسعه یافته تا جایی که به تعبیر بورجویس^۲ (۲۰۱۲) در آینده، خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی جایگزین سیستم آموزش و پرورش فعلی می‌گردد. لذا به نظر می‌رسد که توسعه فرهنگ کارآفرینی، ترویج و زمینه سازی برای آن یک ضرورت جدی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای هر کشور است و کارآفرینی چیزی نیست که یک باره و ناگهان در ذهن کسی ایجاد گردد؛ بلکه نتیجه فرآیندی است که باید از ابتدای کودکی آغاز گشته و بتدریج در دوره‌های بالاتر تکمیل شود. تجارب کشورهای مختلف در این زمینه دال بر این مطلب است که اغلب در دوره‌های تحصیلی پایه مانند پیش از دبستان و دبستان آموزش کارآفرینی بر عناصر کارآفرینانه نظیر خلاقیت، رشد و شکوفایی رفتارهای کارآفرینانه تاکید دارد (موسسه کارآفرینی دانمارک^۳؛ ۲۰۱۱) و همان طور که روانشناسان^۴ اذعان کرده‌اند، آموزش‌های هشت سال اول زندگی اثر دائمی بر شخصیت فرد به جای می‌گذارد و در نتیجه آموزش عناصر و صفات کارآفرینی در این دوران می‌تواند آسان‌تر و سریع‌تر صورت گیرد و به طور عمیق‌تر و پایدارتری پروراند شود (کول، ترجمه مفیدی، ۱۳۸۰).

تحقیقات مختلفی در زمینه آموزش کارآفرینی به کودکان صورت گرفته است که این موضوع را از جوانب مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. تحقیق کوئیب، ورهال^۵ (۲۰۰۳)، حسینی خواه (۱۳۸۸) و شیخان (۱۳۸۸) در این رابطه بیان نموده‌اند که نظام‌های آموزشی به افراد کمک می‌کند تا پتانسیل‌های بالقوه خود را به بالفعل تبدیل نمایند و این امر در کارآفرین شدن آن‌ها بسیار حائز اهمیت است. در نتایج این تحقیقات بر این نکته تاکید شده

1. The European Commission
2. Bourgeois
3. Danish Foundation for Entrepreneurship

۴. فروبل، مونته سوری، پیازه، روسو و بلوم از جمله کسانی هستند که معتقدند الگوهای یادگیری کودک در سال‌های قبل از به مدرسه رفتن شکل می‌گیرد و تدارک دیدن فرصت‌های آموزشی مناسب در سال‌های پیش از دبستان کمک زیادی در شناخت‌های اولیه کودک پیرامون موضوعات مختلف می‌نماید.

5. Kuip , Verheul

است که کارآفرینی فرایندی اکتسابی است و بهترین زمان برای آموزش مهارت‌های مختلف کارآفرینی همان دوران آموزش‌های اولیه در مدرسه و قبل از آن است. همچنین نتایج نشان داده است که صفاتی از قبیل انگیزه دستیابی به موفقیت، تمایل به خوداتکایی، خلاقیت و نوآوری، گرایش شدید به پیش قدمی، ریسک پذیری، فرصت‌یابی، هدف گذاری، خودآگاهی، تسلط بر رفتار و پافشاری و مقاومت در انجام کار از جمله خصوصیات است که باید از دوران کودکی در افراد پرورش داده شود. تحقیق رز^۱ (۲۰۱۲) نیز با عنوان «آموزش کارآفرینی به کودکان، آموزش کسب و کار نیست» نشان داده است که آموزش کارآفرینی برای کودکان، متفاوت از آموزش کسب و کار سنتی است و به موضوعاتی از قبیل خلاقیت، نوآوری و مانند آن می‌پردازد و بین این دو برنامه تفاوت قابل توجهی وجود دارد. همچنین نتایج این تحقیق نشان داده است که کودکانی که آموزش‌های کارآفرینی را دریافت می‌کنند به مراتب بیشتر از دیگران مهارت‌های تفکر دارند. تحقیق (هابر، اسلوف و پراگ^۲، ۲۰۱۲) نیز همسو با این تحقیق بیان کرده است که مهارت‌های شناختی و غیر شناختی کودکانی که آموزش‌های کارآفرینی را در سال‌های اولیه کودکی دریافت می‌کنند نسبت به کودکان دیگر افزایش قابل توجهی نشان می‌دهد. تحقیقاتی نیز به بررسی عناصر مهم در برنامه آموزش کارآفرینی از قبیل نقش معلمان و روش تدریس کارآفرینی (کوپمن، هامر و هکرت^۳، ۲۰۱۳، اتویا، کیباس و اتویا^۴، ۲۰۱۳) پرداخته و موفقیت در برنامه‌های آموزش کارآفرینی را به معلمان آموزش دیده و شیوه‌های تدریس خلاق و عملی دانسته‌اند. همچنین گیب^۵ (۱۹۹۸) در هشتمین کنفرانس سالیانه جهانی سازی آموزش کارآفرینی همچنین یادآور شد که مهارت‌های کارآفرینی براساس چند صفت و خصوصیت اساسی مانند: اعتماد به نفس، خودآگاهی، خوداتکایی، ریسک‌پذیری، انعطاف‌پذیری، سخت‌کوشی، هدف‌مندی و غیره استوار است که باید از دوران کودکی و مدرسه به دانش‌آموزان آموزش داده شوند زیرا اکتساب آن‌ها در بزرگسالی بسیار مشکل و حتی غیرممکن خواهد بود (گیب، ۱۹۹۸). همچنین

1. Rose
2. Huber, Laura Rosendahl; Sloof, Randolph; Praag, Mirjam Van
3. Koopman, Hammer, Hakkert.
4. Otuya, Kibas & Otuya
5. Gibb

کنت^۱ (۱۹۹۰) در کتاب «آگاهی بخشی: اساس آموزش کارآفرینی» آموزش کارآفرینی را به سه بخش زمانی تقسیم بندی کرده که در دوره پیش از دبستان و دبستان دانش آموزان به یک آگاهی کلی از کارآفرینی دست می یابند، سپس در اوایل متوسطه در آن ها انگیزه کارآفرینی ایجاد می شود و بعد از آن در اواخر دوره متوسطه دانش آموزان مهارت های کارآفرینی را تقریباً به طور کامل کسب می کنند (کنت، ۱۹۹۰). با توجه به اهمیت این امر واضح است که برای اتخاذ یک استراتژی کارآمد در امر آموزش کارآفرینی به کودکان و دانش آموزان، باید به طراحی الگوها و برنامه های آموزشی و درسی پرداخت. برنامه هایی که در فرآیند تهیه آن، اصول حاکم بر نظام ارزشی و فلسفه تربیتی، نظام تعلیم و تربیت، تحولات علمی و فرهنگی، نیازهای جامعه و یادگیرنده (ملکی، ۱۳۸۲) رعایت شود. لذا پژوهش حاضر سعی نموده است تا نظریات مختلف مرتبط با کارآفرینی را به عنوان یکی از متغیرهای پژوهش، مورد مطالعه قرار داده، مبانی فلسفی، اجتماعی و روان شناختی آن را از منابع مختلف شناسایی و استخراج نموده و براساس آن مولفه های مختلف کارآفرینی را که مناسب برای کودکان پیش از دبستان هستند، مشخص کرده و به طراحی الگوی برنامه درسی کارآفرینی که مشتمل بر عناصر اصلی برنامه درسی نظیر اهداف، محتوا، روش های یاددهی یادگیری و روش های ارزشیابی است، بپردازد. علاوه بر آن الگوی طراحی شده را با توجه به نظر متخصصان برنامه درسی، اساتید کارآفرینی و دست اندرکاران تربیتی (مربیان) مورد ارزشیابی قرار داده و در نهایت الگوی طراحی شده را به همراه پیشنهادها و راه کارهایی به متخصصان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت در دوره پیش از دبستان ارائه نماید.

سئوال های تحقیق عبارت است از:

- اهداف مطلوب الگوی برنامه درسی کارآفرینی مبتنی بر مولفه های کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان کدامند؟
- محتوای مناسب الگوی برنامه درسی کارآفرینی مبتنی بر مولفه های کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان چه هستند؟

روش‌های تدریس مناسب در الگوی برنامه درسی کارآفرینی مبتنی بر مولفه‌های کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان کدامند؟

روش‌های ارزشیابی مناسب در برنامه درسی کارآفرینی مبتنی بر مولفه‌های کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان چه هستند؟

نظر متخصصان برنامه درسی، اساتید کارآفرینی و مربیان درباره اعتبار الگوی برنامه درسی پیشنهادی کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان چگونه است؟

روش پژوهش

در پژوهش حاضر، از آن جا که پژوهشگر بر آن بوده تا با مطالعه و بررسی متون، اسناد و منابع کتبی و شفاهی موجود، مبادرت به طراحی الگوی برنامه درسی کارآفرینی نماید و سپس آن را با توجه به نظر متخصصان ارزشیابی نماید، لذا تحقیق کاربردی از نوع ارزشیابی است و در انجام آن از روش تحقیق زمینه‌ای^۱ استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه جهت ارزشیابی الگوی طراحی شده در پژوهش حاضر شامل: کلیه متخصصان برنامه ریزی درسی در دانشگاه‌های دولتی و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات شهر تهران جمعا به تعداد ۲۴ نفر و اساتید کارآفرینی شاغل در دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران به تعداد ۳۴ نفر و در گروه مربیان تعداد ۲۵۰ نفر دارای مدرک تحصیلی لیسانس در رشته‌های مرتبط پیش از دبستان و دارای کارت مربیگری از سازمان بهزیستی کشور به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شد.

نمونه، حجم و نحوه گزینش آن: برای تعیین حجم نمونه مورد نیاز جهت ارزشیابی الگوی طراحی شده، با توجه به این که پژوهش دارای سه جامعه آماری بوده، ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه بندی شده، حجم نمونه به همان نسبتی که حجم هر جامعه را تشکیل داده، تعیین شد. در جامعه آماری متخصصان برنامه درسی و اساتید کارآفرینی تمامی اعضاء به عنوان نمونه در دسترس انتخاب شدند. در جامعه آماری مربیان نیز حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران^۲ به تعداد ۱۵۰ نفر انتخاب شدند. در فرمول مورد نظر (نادری و سیف نراقی،

1. Field Study Research
2. Cochran

۱۳۹۲) حداکثر اشتباه مجاز (d) معادل ۰/۵٪، ضریب اطمینان ۹۵٪ و یا خطای قابل قبول مقادیر p و q نیز هر یک معادل ۰/۵ در نظر گرفته شده است.

$$n = \frac{N.t^2.pq}{N.d^2 + t^2.pq} = \frac{(250)(1/96)^2(0/5)(0/5)}{(250)(0/05)^2 + (1/96)^2(0/5)(0/5)} = 151/444 \cong 150$$

روش جمع آوری داده‌ها و ابزارهای آن: برای طراحی الگوی برنامه درسی کارآفرینی، ابتدا داده‌های مورد نیاز به روش مطالعه کتابخانه‌ای، اسنادی و بررسی منابع چاپی و الکترونیکی بر اساس فیش برداری، در خصوص برنامه درسی و کارآفرینی و الگوها و رویکردهای مختلف مربوط به برنامه درسی و ادبیات مرتبط با موضوع پژوهش به طور همه جانبه گردآوری شد و سپس مؤلفه‌های برنامه درسی کارآفرینی شناسایی شده و با استفاده از راهنمایی و نظر اساتید راهنما و مشاور، الگوی مورد نظر طراحی شد. پس از آن پرسشنامه محقق ساخته^۱ در مجموع با ۷۲ گویه (براساس پیشینه‌ها و مطالعات انجام شده و با نظر اساتید راهنما و مشاور)، به گروه‌های مورد نظر ارائه شده و در خصوص عناصر الگوی طراحی شده، از متخصصان برنامه درسی، اساتید کارآفرینی و مربیان پیش از دبستان، ارزشیابی به عمل آمد. این پرسشنامه بر پایه الگوی طراحی شده برنامه درسی کارآفرینی، مبانی نظری و راهنمایی اساتید راهنما و مشاور در چهار بخش تهیه و تنظیم گردیده است که شامل: قسمت اول؛ اهداف برنامه درسی کارآفرینی (۲۵ گویه)، محتوای برنامه درسی کارآفرینی (۲۵ گویه)، روش‌های تدریس برنامه درسی کارآفرینی (۱۲ گویه) و شیوه‌های ارزشیابی برنامه درسی کارآفرینی (۱۰ گویه) است. برای سنجش روایی پرسشنامه از نظر اساتید راهنما و مشاور و ۱۰ تن از متخصصان موضوع استفاده و برای سنجش پایایی پرسشنامه از روش آماری «آلفای کرونباخ» استفاده شد که نتیجه آن ۰/۹ شده است. برای پاسخگویی به هر گویه، از مقیاس اسمی و در طیف لیکرت با پنج درجه خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم و برای کمی سازی داده‌ها (بست، ۱۳۹۰: ۲۳۹)، طیف به شکل زیر نمره گذاری شده است: خیلی زیاد= ۵، زیاد= ۴، متوسط= ۳، کم= ۲ و خیلی کم= ۱

روش‌های آماری: برای تحلیل سئوال‌های پژوهش، روش آماری مورد استفاده در این

پژوهش، روش‌های آمار توصیفی از قبیل:

تلخیص، ترتیب، طبقه بندی و دسته بندی، رسم نمادها و شکل‌ها و وزن دهی به عناصر برنامه درسی طراحی شده است و در قسمت دوم که به ارزشیابی الگوی برنامه درسی طراحی شده از منظر متخصصان و مربیان می‌پردازد، از روش آمار استنباطی خی دو (X^2) بهره گرفته شده است.
$$X^2 = \frac{\sum (fo-fe)^2}{fe}$$
 روش‌های آماری مورد استفاده با استفاده از نرم افزار آماری و ضریب اطمینان ۹۵٪ یا خطای ۵٪ بررسی، توصیف و تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌های پژوهش

در این تحقیق ابتدا سه مؤلفه دانش، نگرش و مهارت کارآفرینی به عنوان مؤلفه‌های اصلی طراحی الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان انتخاب شدند که عناصر برنامه درسی بر اساس این مؤلفه‌ها تنظیم گشته است. مؤلفه‌های تعیین شده در این الگو با تحقیقات (ایویز^۱، ۲۰۱۱؛ سانچزو همکاران، ۲۰۱۰؛ هینون و پوئیک کیجوکی، ۲۰۰۷؛ راپوسو و دوپاکو؛ ۲۰۱۱؛ دوپاکو و پالینهاس، ۲۰۱۱) همسو بوده و منطبق با مؤلفه‌های مطرح شده از طرف کمیسیون اتحادیه اروپا^۲ نیز (۲۰۰۶: ۴) می‌باشد.

سئوال اول: اهداف مطلوب الگوی برنامه درسی کارآفرینی مبتنی بر مؤلفه‌های کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان کدامند؟

اهداف برنامه درسی کارآفرینی بر اساس سه مؤلفه دانش، نگرش و مهارت کارآفرینی تنظیم گشته و نتایج به دست آمده در این تحقیق نشان داده است که اهداف مطرح شده در این الگو بر اساس مؤلفه دانش از قبیل آشنایی با مشاغل مختلف، شناخت قوانین و مقررات، آداب و رسوم و فرهنگ‌های مختلف، محیط زیست و منابع طبیعی، کسب سواد رایانه‌ای و فناوری

1. Eiwyo
2. The European Commission

و کسب سواد مالی، با تحقیقات انجام گرفته توسط (مقیم و داریانی، ۱۳۸۸؛ هابر، اسلوف و پراگ، ۲۰۱۲؛ رایبیز^۱ ۱۹۹۷؛ گارتنر^۲ ۱۹۹۴؛ رپوسو، دوپاکو^۳، ۲۰۱۱) همسو است. اهداف مطرح شده در این الگو براساس مؤلفه نگرش که شامل مواردی از قبیل: ایجاد نگرش خلاق، نگرش دانستن، توانستن و انجام دادن، تقویت نگرش مثبت و انعطاف پذیر در برابر تغییرات و موقعیت های مبهم، تقویت حس کنجکاوی، پرسشگری، تقویت احساس خودکارآمدی و شایستگی اجتماعی در کودکان، تقویت حس استقلال و توفیق طلبی در کودکان با توجه به تفاوت های فردی آنان و غیره است با نظر محققان مختلفی (دوپاکو و پالینهاس، ۲۰۱۱؛ اوتایو^۴ و همکاران، ۲۰۱۳؛ کالپر، ۲۰۰۴) همخوانی داشته و با یافته های تحقیق حاضر همسو است.

همچنین اهداف مطرح شده در این الگو بر اساس مؤلفه مهارت شامل: تقویت مهارت های برقراری ارتباط با همسالان و بزرگسالان، مهارت همکاری کردن و پذیرش مسئولیت، مهارت حل مساله و مهارت های پژوهشی، مهارت استفاده از ابزارها، مواد و وسایل و رسانه های مختلف برای یادگیری، پرورش مهارت رویارویی شجاعانه با تغییرات و دنیای جدید، مهارت درک افکار و احساسات خود و دیگران، کسب مهارت یادگیری، انتقال و تعمیم آموخته ها به شیوه های مختلف، تقویت مهارت های رهبری همسالان و گروه های کوچک و تقویت مهارت های فردی و... است، با نظر محققان (هارتوگ^۵ و همکاران ۲۰۱۰؛ آنگر^۶ و همکاران، ۲۰۱۱؛ کوئیب^۷ و همکاران، ۲۰۰۳؛ دوپاکو و پالینهاس، ۲۰۱۱) همخوانی دارد. همچنین نظر گروه های نمونه در مورد عنصر اهداف برنامه درسی در جدول (۱) نشان داده شده است.

-
1. Robbins
 2. Gartner
 3. Raposo and Do Paco
 4. Otuya
 5. Hartog
 6. Unger
 7. Kuip

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد نظر گروه‌های مورد مطالعه در خصوص عنصر اهداف برنامه درسی

شاخص‌ها	کم	متوسط		زیاد	گروه‌ها
		فراوانی	درصد		
کارآفرین	۱۰	۲۲	۲	۵,۹٪	
برنامه‌ریزی درسی	۲	۸	۱۴	۵۸,۷٪	
مربیان	۵۴	۴۵	۵۱	۳۴٪	

۴. درجه آزادی = ۰/۰۰۰ = میزان ریسک خطا = ۳۲/۴ = خی دو

تفسیر اثر سنجی خی دو: جدول (۱) مبین نگرش پاسخگویان نسبت به عنصر اهداف برنامه درسی در سه مؤلفه تشکیل دهنده آن یعنی دانش، نگرش و مهارت می‌باشد. همچنان که داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد در بین توزیع نظرات سه گروه، تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. در گروه کارآفرینی اکثر پاسخگویان (۶۴/۷٪) عنصر مورد نظر را در حد متوسط، در گروه مربیان اکثر پاسخگویان (۶۶٪) آن را در حد کم و متوسط ارزیابی نمودند در صورتی که در گروه برنامه‌ریزی درسی اکثر پاسخگویان (۵۸/۷٪) این عنصر را در حد زیاد ارزیابی کردند. آماره خی دو بدست آمده در سطح ۵ درصد و با درجه آزادی ۴، برابر با ۳۲/۴ شده و حاکی از آن است که از لحاظ آماری بین توزیع دیدگاه سه گروه یعنی گروه کارآفرین، گروه برنامه‌ریزی درسی و گروه مربیان در عنصر اهداف برنامه درسی در رابطه با الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان تفاوت وجود دارد.

سؤال دوم: محتوای مناسب الگوی برنامه درسی کارآفرینی مبتنی بر مؤلفه‌های کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان چه هستند؟

محتوای برنامه درسی بر اساس مؤلفه‌های کارآفرینی دانش، نگرش و مهارت تنظیم گشته است. در مؤلفه دانش محتوای برنامه درسی شامل: بررسی و معرفی مشاغل، محیط و اماکن مختلف، بررسی روابط بین این محیط‌ها جهت رفع نیازهای گوناگون و قوانین حاکم بر آنها، معرفی آداب و رسوم ملی و مذهبی و بررسی این آداب در فرهنگ‌های مختلف،

شیوه‌های مختلف کسب درآمد و زندگی در جامعه متناسب با سن کودکان، معرفی منابع طبیعی، موارد استفاده و نحوه نگهداری از آن‌ها، معرفی انواع پول، کاربردهای پول، نحوه استفاده از پول، استفاده‌های مناسب و نامناسب از پول، شناخت بانک و مراکز نگهداری پول، آشنایی با شیوه‌های پس انداز و ذخیره پول و غیره است؛ محتوای برنامه درسی براساس مؤلفه نگرش شامل مواردی از قبیل: معرفی شیوه‌های تقویت خلاقیت و ایده سازی در کودکان، ترکیب خلاقیت با سایر حوزه‌های برنامه درسی، معرفی شیوه‌های تقویت احساس توانمندی در کودکان، تقویت نگرش کار و تلاش دائمی، ترغیب به انجام فعالیت‌های نو و جدید و پذیرش تغییرات، تحریک تفکر و اگر در کودکان از طریق تشویق به تفکر درباره آنچه که هست، آنچه که نیست و آنچه که می‌تواند باشد، مسئولیت‌پذیری، شیوه‌های افزایش خودکارآمدی کودکان، تقویت اندیشه مثبت درباره خود و دیگران و راه‌های تقویت عزت نفس و معرفی راه‌های افزایش استقلال و موفقیت در انجام کارها و... است. محتوای برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان براساس مؤلفه مهارت شامل: معرفی و تمرین شیوه‌های خوب گوش دادن، صحبت کردن و نحوه برقراری ارتباط موثر با همسالان و بزرگسالان، آشنایی با مفهوم گروه، همکاری، تقسیم کار، آشنایی با مراحل پژوهش و حل مساله، افزایش مهارت در برخورد با ناشناخته‌ها و رویارویی با تغییرات، افزایش توانایی هدایت همسالان در گروه، جلب توافق همسالان و توجه به خواسته‌های آنان و هدایت گروه، آموزش مهارت‌های فردی و ارتقاء خودباوری و تقویت خودانضباطی و... است.

در راستای محتوای تنظیم شده در این الگو، محتوای ارائه شده از طرف کنسرسیوم آموزش کارآفرینی^۱ (۲۰۰۴) نیز بر مواردی همسو با این تحقیق اشاره کرده است و علاوه بر این در تحقیقات انجام گرفته توسط محققان (گراوان^۲، ۱۹۹۴، سکتون و آبتون، ۱۹۸۷ و جانسون^۳، ۲۰۰۱، به نقل از حسینی خواه، ۱۳۸۷: ۷۷) بر این نکته تاکید شده است که محتوای برنامه درسی کارآفرینی باید در سه بخش دانش، نگرش و مهارت تنظیم گردد که با نحوه تنظیم محتوای برنامه درسی در این تحقیق همخوانی دارند.

1. Consortium for Entrepreneurship Education
2. Garavan & Ocinneide
3. Johnson

همچنین در تحقیقات دیگری گیب (۲۰۰۱) و هارتشورن (۲۰۰۲) بیان کرده‌اند که گنجاندن زندگی واقعی کارآفرینان موفق در محتوای دوره‌های آموزش کارآفرینی از اهمیت زیادی برخوردار است و نول (۱۹۹۳)، روچ (۱۹۹۹) آن را به عنوان نقطه آغاز برنامه درسی بیان نموده‌اند. تحقیقات (فاویت^۱ و دیگران، ۲۰۰۳) و هیسریچ و پیترز^۲ (۲۰۰۲) به نقل از فیض بخش و تقی یاری، (۱۳۸۵) نیز در زمینه تهیه محتوای برنامه درسی کارآفرینی همسو با نتایج این تحقیق است. نظر متخصصان درباره عنصر محتوای برنامه درسی در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصد نظر گروه‌های مورد مطالعه در خصوص عنصر محتوای برنامه درسی

شاخص‌ها	کم		متوسط		زیاد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کارآفرین	۱۹	۵۵/۹٪	۱۳	۳۸/۲٪	۲	۵/۹٪
برنامه‌ریزی درسی	۲	۸/۳٪	۹	۳۷/۵٪	۱۳	۵۴/۲٪
مریان	۳۹	۲۶٪	۵۰	۳۳/۳٪	۶۱	۴۰/۷٪

۴. درجه آزادی = ۰/۰۰۱ = میزان ریسک خطا = ۲۹/۳ = χ^2 دو

تفسیر اثر سنجی خی دو: جدول (۲) مبین نگرش پاسخگویان نسبت به عنصر محتوای برنامه درسی در سه مؤلفه تشکیل دهنده آن یعنی دانش، نگرش و مهارت می‌باشد. همچنان که ملاحظه می‌گردد، توزیع نظرات بین پاسخگویان یکسان نیست و از تفاوت چشمگیری برخوردار است. اکثر کارآفرینان (۵۵/۹٪) این عنصر را در حد کم ارزیابی نمودند در صورتی که در گروه برنامه‌ریزی درسی (۵۴/۲٪) و گروه مریان (۴۰/۷٪)، اکثر پاسخگویان عنصر محتوای برنامه درسی را زیاد ارزیابی کرده‌اند. با توجه به این که مقدار χ^2 دو محاسبه

1. Faoite
2. Hisrich & Peters

شده در سطح خط‌پذیری ۵ درصد و با درجه آزادی ۴ برابر با ۲۹/۳ می‌باشد و با توجه به داده‌های جدول (۲) می‌توان به این نتیجه رسید که در نظرات پاسخ دهندگان در سه گروه کارآفرینی، برنامه‌ریزی درسی و مربیان در عنصر محتوای برنامه درسی در رابطه با الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان تفاوت وجود دارد و نشان دهنده آن است که توزیع فراوانی‌های مشاهده شده ناشی از شانس نیست. لذا اکثر نمونه‌های تحقیق در هر سه گروه نسبت به عنصر روش‌های تدریس کارآفرینی نظر متوسط و زیاد دارند اما درجات تاکید آن‌ها متفاوت است.

سؤال سوم: روش‌های تدریس مناسب در الگوی برنامه درسی کارآفرینی مبتنی بر مؤلفه‌های کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان کدامند؟

روش‌های تدریس مناسب در الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان با توجه به سه مؤلفه دانش شامل (بحث و گفتگو، بازدید و گردش علمی، قصه‌گویی و نمایش و بازی سازمان یافته)، مؤلفه نگرش شامل (بازی، قصه‌گویی و نمایش خلاق، مشاهده و الگو برداری، شعرخوانی و سرود و روش‌های خلاق) و مؤلفه مهارت شامل (پروژه، دست‌ورزی و انجام فعالیت عملی و فعال) تنظیم شده است.

در این راستا بسیاری از محققان از قبیل گیب (۱۹۹۶)، کپر^۱ و همکاران (۲۰۰۳)، تن^۲ (۲۰۰۶)، واهلین (۲۰۰۸)، جونز (۲۰۱۰)، کارلند و کارلند^۳، (۲۰۰۱) معتقدند برای آموزش کارآفرینی که ماهیتی عملی و تجربی دارد، باید از روش‌های تدریس کودک محور استفاده کرد تا روحیه خلاقیت و نوآوری در فراگیران شکوفا شود. همچنین محققانی از قبیل هاینون و پوئیکویجکی^۴ (۲۰۰۶)؛ پنالونا، کواتز^۵ (۲۰۱۰)؛ گابریلسون، تل و پلیتیس^۶ (۲۰۱۰) معتقدند که باید مباحث مربوط به کارآفرینی را به روشی پویا، فعال و تجربی آموزش داد،

-
1. Cooper
 2. Tan
 3. Carland & Carland
 4. Heinonen & Poikkijoki
 5. Penaluna, Coates & Penaluna
 6. Gabriellsson, Tell & Politis

علاوه بر این محققانی از قبیل شانن^۱ و همکاران (۲۰۰۹)؛ دوپاکو و پالینهاس^۲ (۲۰۱۱)؛ جانسون، اکوهات و گیلی^۳ (۲۰۰۷)؛ اسمیت، کوئیکل و کلی (۲۰۱۰)؛ گابریلسون، تل و پلیتیس (۲۰۱۰)؛ تانستال و لینچ (۲۰۱۰) بر بازی؛ جونز (۲۰۱۰)؛ هانینون و پوئیکیکجوکی (۲۰۰۶)؛ رابینسون و ملاچ^۴ (۲۰۰۷) بر مشاهده و محققانی نظیر گیب و کاتن (۱۹۹۸)؛ کلرگیو و بنفیت^۵ (۲۰۰۷)؛ لانس و گولیکرز (۲۰۱۰)، جونز^۶ (۲۰۱۰)؛ دامین گوئینهاس و کاروالهر (۲۰۰۹) بر پروژه در برنامه درسی کارآفرینی اشاره کرده‌اند که همگی مؤید نتایج این تحقیق و همسو با آن می‌باشند.

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصد نظر گروه‌های مورد مطالعه در خصوص روش تدریس

گروه‌ها	کم		متوسط		زیاد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کارآفرین	۵	٪۱۴/۷	۱۸	٪۵۲/۹	۱۱	٪۳۲/۴
برنامه‌ریزی درسی	۳	٪۱۲/۵	۵	٪۲۰/۸	۱۶	٪۶۶/۷
مربیان	۲۲	٪۱۴/۷	۲۸	٪۱۸/۷	۱۰۰	٪۶۶/۷

۴. درجه آزادی = ۰/۰۰۰ = میزان ریسک خطا = ۳۴/۴ = خی دو

تفسیر اثر سنجی خی دو: چنان که ملاحظه می‌شود جدول شماره (۳) معرف تدریس در سه مؤلفه دانش، نگرش و مهارت می‌باشد. نتایج محاسبات آماری جدول فوق بدین شرح است، میزان خی دو بدست آمده در سطح خطای ۵ درصد و درجه آزادی ۴، برابر با ۳۴/۴ شده است. از آنجایی که میزان ریسک خطا صفر شده، نشان دهنده آن است که توزیع

1. Shanana
2. do Paco, A and Palinhas M, J
3. Janssen, Eeckhout & Gailly
4. Robinson & Malach
5. Clergeau & Schieb-Bienfait
6. Jones

فراوانی‌های مشاهده شده ناشی از شانس نیست. در جدول فوق دیدگاه مربیان با برنامه‌ریزان درسی تقریباً یکسان است. $۶۶/۷\%$ از پاسخگویان در هر دو گروه ذکر شده، تاثیر تدریس را در حد زیاد ارزیابی نموده‌اند در صورتی که اکثر کارآفرینان $۵۲/۹\%$ این مورد را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. لذا اکثر نمونه‌های تحقیق در هر سه گروه نسبت به روش‌های تدریس کارآفرینی نظر متوسط و زیاد دارند اما درجات تاکید آن‌ها متفاوت است.

سؤال چهارم: روش‌های ارزشیابی مناسب در برنامه درسی کارآفرینی مبتنی بر مؤلفه‌های کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان چه هستند؟

روش‌های ارزشیابی مناسب در الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان با توجه به سه مؤلفه دانش شامل (مشاهده، چک لیست، پوشه کار و پرسش و پاسخ)؛ براساس مؤلفه نگرش شامل (مشاهده، خود ارزشیابی و آزمون‌های خلاقیت) و براساس مؤلفه مهارت شامل (عملکرد، خودسنجی و انجام پروژه‌های فردی و گروهی) ذکر شده است. نتایج تحقیقات مختلف (سیف و رضایی، ۱۳۸۵؛ شکرالهی، ۱۳۸۵؛ فتح آبادی، ۱۳۸۵؛ لطف آبادی، ۱۳۸۵) در زمینه شیوه‌های ارزشیابی نشان داده است که شیوه‌های ارزشیابی جدید (ارزشیابی توصیفی مانند مشاهده، چک لیست، پوشه کار و....) شرایط لازم را برای رشد دانش و معلومات، توانایی‌ها و مهارت‌های شناختی و فراشناختی و همچنین توسعه نگرش‌های یادگیرندگان فراهم می‌آورد که نتایج این تحقیقات با یافته‌های تحقیق فوق همخوانی داشته و آن را تایید می‌نمایند.

جدول ۴. توزیع فراوانی و درصد نظر گروه‌های مورد مطالعه در خصوص مورد روش ارزشیابی

شاخص‌ها	کم		متوسط		زیاد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کارآفرین	۲۱	$۶۱/۸\%$	۱۱	$۳۲/۴\%$	۲	$۵/۹\%$
برنامه‌ریزی درسی	۱	$۴/۲\%$	۸	$۳۳/۳\%$	۱۵	$۶۲/۵\%$
مربیان	۲۶	$۱۷/۳\%$	۳۸	$۲۵/۳\%$	۸۶	$۵۷/۳\%$

۴. درجه آزادی = ۰/۰۰۱ = میزان ریسک خطا $۴/۷۷ =$ خی دو

تفسیر اثر سنجی خی دو: جدول ارائه شده، دیدگاه پاسخگویان را نسبت به روش ارزشیابی بر اساس سه مؤلفه دانش، نگرش و مهارت نشان می‌دهد. با استناد به داده‌های جدول (۴) و نتایج محاسبات آماری جدول فوق، خی دو محاسبه شده برای روش ارزشیابی از دیدگاه پاسخگویان، در سطح ۵ درصد و با درجه آزادی ۴، برابر با $۴۷/۳$ شده است و حاکی از آن است که از لحاظ آماری بین توزیع دیدگاه سه گروه یعنی گروه کارآفرین، گروه برنامه‌ریزی درسی و گروه مربیان تفاوت معنادار وجود دارد و این تفاوت ناشی از شانس نیست. همان طور که ملاحظه می‌گردد، دیدگاه دو گروه مربیان و برنامه‌ریزان درسی تا حدی شبیه به یکدیگر هستند چرا که اکثر پاسخگویان در هر دو گروه این مورد را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند، اما پاسخ‌گویان گروه کارآفرین بر خلاف این دو گروه، مورد ارزشیابی را کم ارزیابی کرده‌اند.

سؤال پنجم: نظر متخصصان برنامه درسی، اساتید کارآفرینی و مربیان درباره اعتبار الگوی برنامه درسی پیشنهادی کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان چگونه است؟

برای تعیین میزان تناسب هر یک از مؤلفه‌های الگوی مطرح شده از نظر متخصصان، ابتدا تعداد فاصله موجود بین پاسخ‌ها (۵-۱) را که ۴ فاصله می‌باشد به سه دامنه تقسیم کرده و با استفاده از عدد به دست آمده بین نمره‌های (۵-۱) سه دامنه مناسب، نسبتاً مناسب و نامناسب به شرح زیر مشخص گردید: (معیار تعیین دامنه‌های موجود) $۱/۳۳ = (سه\ دامنه) \div (تعداد\ فاصله$

۴

بدین ترتیب برای تعیین میزان تناسب هر مؤلفه، میانگین پاسخ‌ها را براساس فراوانی داده‌ها به دست آورده، سپس بر اساس قرار گرفتن میانگین به دست آمده در یکی از دامنه‌های سه‌گانه زیر میزان تناسب نظر متخصصان و مربیان مشخص گردید.

الف: دامنه مناسب: $۳/۶$ تا ۵ ب: دامنه نسبتاً مناسب: $۲/۳$ تا $۳/۶$ ج: دامنه نامناسب: ۱ تا

۲/۳

جدول ۵. میانگین پاسخ‌های متخصصان سه گروه به تفکیک شاخص‌های الگوی برنامه درسی کارآفرینی

مؤلفه‌های کارآفرینی			
مؤلفه	گروه اول	گروه دوم	گروه سوم
اهداف برنامه درسی	۳/۴	۳/۵	۳/۲
محتوای برنامه درسی	۳/۵	۳/۶	۳/۲
روش تدریس	۴/۲	۳/۸	۴/۳
روش ارزشیابی	۳/۶	۳/۷	۳/۶

بر اساس نتایج ذکر شده در جدول (۵)، نظر متخصصان برنامه‌ریزی درسی، کارآفرینان و مربیان درباره اهداف تعیین شده در الگوی پیشنهادی بر اساس مؤلفه دانش (۳/۲) و مؤلفه نگرش (۳/۵) را مناسب و مؤلفه مهارت (۳/۴) را نسبتاً مناسب ارزشیابی نموده‌اند. همچنین نظر متخصصان برنامه درسی، کارآفرینی و مربیان درباره محتوای تعیین شده در الگوی پیشنهادی بر اساس مؤلفه دانش (۳/۲)، مؤلفه نگرش (۳/۶) و مؤلفه مهارت (۳/۵) را نسبتاً مناسب ارزشیابی نموده‌اند. علاوه بر این نظر متخصصان برنامه درسی، کارآفرینی و مربیان درباره روش‌های تدریس تعیین شده در الگوی پیشنهادی بر اساس مؤلفه دانش (۴/۳)، مؤلفه نگرش (۳/۸) و مؤلفه مهارت (۴/۲) را مناسب ارزشیابی نموده‌اند و در نهایت نظر متخصصان برنامه درسی، کارآفرینی و مربیان درباره روش‌های ارزشیابی تعیین شده در الگوی پیشنهادی بر اساس مؤلفه دانش (۳/۶)، نسبتاً مناسب، مؤلفه نگرش (۳/۷)، مناسب و مؤلفه مهارت (۳/۶) را نسبتاً مناسب ارزشیابی نموده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

در تبیین و تفسیر کلی نتایج حاصله از تأیید الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش دبستان، می‌توان اظهار نمود که آموزش کارآفرینی به عنوان نوعی سرمایه‌گذاری در توسعه و توانایی‌های کودکان از طریق آموزش می‌باشد که نقش کلیدی در رشد و توسعه فرهنگی،

اقتصادی و اجتماعی کشور در آینده خواهد داشت (فیوضات، ۱۳۷۷). آنچه تاکنون در زمینه آموزش کارآفرینی شاهد بوده‌ایم، آماده‌سازی برنامه‌ها و ارائه آن به گروه‌های سنی بالاتر از قبیل جوانان و بزرگسالان بوده است. در صورتی که به تعبیر کنت (۱۹۹۰)، بستر سازی و گسترش فرهنگ کارآفرینی در جامعه باید از سنین خردسالی و با ترتیب دادن فعالیت‌ها و منش‌های خلاق و مستقل، در همه زمینه‌های زندگی و نه تنها در حوزه اشتغال یا برای دوران بزرگسالی، در کودکان پرورش داده شود و کارآفرینی به عنوان یک نگرش و سبک زندگی، مبنای برنامه‌های مختلف، معرفی گردد. بنابراین، در طراحی الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان، مباحث نظری در خصوص مبانی فلسفی، اجتماعی و روان‌شناختی الگو، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت، به نحوی که پایه‌های فلسفی الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان از نظریات پیشرفت‌گرایان و بازسازی‌گرایان؛ در مبانی روان‌شناختی از نظریات روان‌شناسان تحول‌نگر (پیازه) و انسان‌گرا (مازلو و راجرز) و در بحث مبانی اجتماعی از رویکرد فعال و پویا تاثیر پذیرفته است. رویکرد فعال و پویا، بر الگوهایی از برنامه درسی اشاره دارد که بتوانند پاسخ‌گوی پویایی و تغییر در جامعه باشند و کودکان را به عنوان ابزاری برای تغییر تربیت نمایند تا قادر باشند دنیای اطراف خود را شکل داده و بر مشکلات سیاسی و اجتماعی پیروز شوند، که مسلماً این صورت از مبانی اجتماعی برنامه درسی با برداشت فلسفه پیشرفت‌گرا و بازسازی‌گرا نیز تناسب دارد. اهداف ذکر شده در الگوی مذکور، به گونه‌ای تهیه و تنظیم شده است که امکان گسترش توانمندی‌های کودکان را در سه حیطه دانش، نگرش و مهارت مد نظر قرار داده و بتواند آنچه را که لازمه زندگی کنونی و بزرگسالی آنان است، فراهم نماید. همچنین محتوای برنامه درسی کارآفرینی با توجه به موضوعات روزمره زندگی کودکان فراهم گشته تا با ایجاد انگیزش در آنان بتواند علاوه بر ارائه دانش لازم درباره کارآفرینی، مهارت‌های مختلف از قبیل: حل مساله، ارتباط با دیگران، مهارت‌های فردی و غیره را در آن‌ها پرورش داده و در نهایت نگرش کارآفرینانه را در آن‌ها تقویت نماید. علاوه بر این روش‌های تدریس و ارزشیابی نیز منطبق با توانایی‌ها و علایق آن‌ها بوده و می‌توانند در تکمیل فرایند آموزش کارآفرینی به کودکان پیش از دبستان مؤثر باشند. آموزش کارآفرینی به کودکان پیش از دبستان می‌تواند آن‌ها را به

رهبرانی قوی و سالم و حل کنندگان برتر مسائل و مشکلات در مراحل مختلف زندگی تبدیل نموده و کیفیت زندگی آن‌ها را بهبود ببخشد (گستین، ۲۰۱۱). مدل نظری الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان، به طور خلاصه در جدول شماره (۶) ارائه شده است.

جدول ۶. مدل نظری الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان (ک.ب.ک)

مؤلفه‌ها	شخص‌های برنامه درسی
نمودهای عینی برنامه درسی کارآفرینی	
آشنایی با مشاغل مختلف، شناخت قوانین و مقررات، آداب و رسوم و فرهنگ‌های مختلف و..	دانش
ایجاد نگرش خلاق، نگرش دانستن، توانستن و انجام دادن، تقویت نگرش مثبت و انعطاف پذیر در برابر تغییرات و موقعیت‌های مبهم و ...	نگرش
مهارت‌های برقراری ارتباط با همسالان و بزرگسالان، مهارت همکاری کردن و پذیرش مسئولیت، مهارت حل مساله و مهارت‌های پژوهشی و ...	مهارت
بررسی و معرفی مشاغل، محیط و اماکن مختلف، معرفی آداب و رسوم ملی و مذهبی و	دانش
معرفی شیوه‌های تقویت خلاقیت و ایده سازی در کودکان، ترکیب خلاقیت با سایر حوزه‌های برنامه درسی، معرفی شیوه‌های تقویت احساس توانمندی در کودکان، تقویت نگرش کار و تلاش و...	نگرش
آشنایی با مفهوم گروه، همکاری، پذیرش مسئولیت و کسب مهارت در انجام فعالیت گروهی و...	مهارت
بحث و گفتگو، بازدید و گردش علمی، قصه گویی و نمایش و بازی سازمان یافته	دانش
بازی، قصه گویی و نمایش خلاق، مشاهده و الگو برداری، شعرخوانی و سرود	نگرش
پروژه، دست ورزی و انجام فعالیت عملی و فعال	مهارت
مشاهده، چک لیست، پوشه کار و پرسش و پاسخ	دانش
مشاهده، خود ارزشیابی و آزمون‌های خلاقیت	نگرش
عملکرد، خودسنجی و انجام پروژه های فردی و گروهی	مهارت

جدول ۷. مراحل انجام تحقیق به طور خلاصه

مراحل	یافته‌های نظری	یافته‌های کاربردی
۳ ۴ ۵	مطالعه مبانی نظری تحقیق در سه بخش کارآفرینی، برنامه ریزی درسی و کودکان پیش دبستانی و بررسی پیشینه موجود در این زمینه؛ سپس مطالعه مباحث نظری در خصوص مبانی فلسفی، اجتماعی و روان‌شناختی الگو	پایه‌های فلسفی الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش دبستانی از نظریات پیشرفت‌گرایان و بازسازی‌گرایان؛ در مبانی روانشناختی از نظریات روانشناسان تحول‌نگر (پیاژه) و انسان‌گرا (مازلو و راجرز) و در بحث مبانی اجتماعی از رویکرد فعال و پویا تاثیر پذیرفته است.
۶ ۷	استخراج مؤلفه‌های اصلی برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش دبستانی با استفاده از تحقیقات انجام گرفته در این زمینه، در قالب سه مؤلفه دانش، نگرش و مهارت	تعیین و تنظیم عناصر اصلی برنامه درسی (شامل هدف، محتوا، روش‌های تدریس و ارزشیابی) بر اساس سه مؤلفه دانش، نگرش و مهارت (در جدول شماره ۶ ذکر شده است)
۸ ۹	طراحی و تهیه ابزار (پرسشنامه محقق ساخته) جهت جمع‌آوری داده‌ها و ارزشیابی الگوی طراحی شده	ارزشیابی الگوی طراحی شده با استفاده از نظر متخصصان در گروه‌های برنامه ریزی درسی، کارآفرینی و مربیان (نتایج ارزشیابی در جداول ۱ تا ۵ ذکر شده است)
۱۰ ۱۱	ارائه الگو براساس نتایج بدست آمده	الگوی برنامه درسی کارآفرینی، در جدول شماره ۶ ارائه شده است.

پیشنهاد‌های پژوهش بر اساس یافته‌ها و نتایج حاصله از این تحقیق (کاربردی):

پیشنهاد می‌گردد برنامه ریزان درسی و دست‌اندرکاران تربیتی در دوره تحصیلی پیش از دبستان، اهتمام و عنایت خود را در بهره‌گیری از اهداف ذکر شده در این الگو به کار بسته و در برنامه‌های جاری و آتی خود آن‌ها را لحاظ نمایند. همچنین مؤلفان و نویسندگان کتاب‌های کودکان در دوره‌های قبل از دبستان، عنایت لازم در راستای به کارگیری و تنظیم محتوا براساس سرفصل پیشنهادی ذکر شده در الگوی مذکور را نموده و تدریس و ارزشیابی پیشنهادی را به کار گیرند.

پیشنهاد‌های مبتنی بر تجربه محقق در تحقیق حاضر (پژوهشی)

۱. پیشنهاد می‌گردد با توجه به الگوی طراحی شده در قالب چهار عنصر اصلی برنامه درسی که شامل: اهداف، محتوا، روش تدریس و روش ارزشیابی انجام شده است، در پژوهش‌های بعدی به دیگر عناصر برنامه درسی از قبیل نقش معلم، سازماندهی فضا و محیط یادگیری، زمان، ابزار و وسایل یادگیری و... نیز پرداخته شود.
۲. در تحقیقات آتی، الگوی مورد نظر به صورت پکیج‌های کاربردی در اختیار والدین و مربیان قرار گرفته و به طور عملی در مراکز آموزشی پیش از دبستان به اجرا درآمده و نتایج آن ارائه گردد.
۳. الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای دوره‌های تحصیلی بالاتر مانند ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان نیز ارائه و تنظیم شود.

منابع

- احمد پور داریانی، محمود. (۱۳۷۹). کارآفرینی: تعاریف، نظریات و الگوها، تهران: شرکت پردیس.
- احمد پور داریانی، محمود. فیض، داوود. (۱۳۸۰). نقش و جایگاه دولت در توسعه آموزش کارآفرینی کشور، مجله مدیریت، شماره ۵۵ و ۵۶ صص ۴۱-۴۶.
- احمد پور داریانی، محمود؛ مقیمی، محمد. (۱۳۸۵). مبانی کارآفرین، تهران: فراندیش.
- اکبری، کرامت‌الله. (۱۳۸۵). توسعه کارآفرینی، رویکرد آموزشی، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- الهام، حورا. (۱۳۸۷). کارآفرینی کودکان در امریکا، به نقل از سایت فکر نو، شبکه زنان کارآفرین
- پرداختچی، محمد حسن؛ شفیع زاده، حمید. (۱۳۸۵). درآمدی بر کارآفرینی سازمانی، چاپ اول، تهران: نشر ارسباران
- پرهیزکار، مرتضی؛ شیرازی قباد و مقدم شهیدی، عطیه. (۱۳۸۳). آموزش و تدریس کارآفرینی. تهران سازمان همیاری اشتغال فارغ التحصیلان، جهاد دانشگاهی.

- حسینی خواه، علی. (۱۳۸۷). امکان و ضرورت آموزش کارآفرینی در مدارس، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال سوم، شماره ۱۱. زمستان. صفحات ۶۶-۹۴.
- فیض بخش، سیدعلیرضا و عبداللهی، آمنه. (۱۳۸۹). کارآفرینی عمومی، تهران: مرکز آموزش و تحقیق کانون فارغ التحصیلان دانشگاه آزاد اسلامی.
- فیوضات، یحیی. (۱۳۷۸). مبانی برنامه ریزی آموزشی، تهران: موسسه نشر ویرایش.
- فتح آبادی، ج. (۱۳۸۵). بررسی تاثیر ارزشیابی توصیفی و کیفی در تحقق هدف‌های شناختی، عاطفی و روانی حرکتی دوره شورای تحقیقات آموزشی سازمان آموزش و پرورش استان مرکزی
- شکرالهی، محمد. (۱۳۸۵). مقایسه سبک‌های توصیفی و سنتی براساس استانداردهای چهارگانه ارزشیابی (اخلاقی، کارآوری، قابلیت اجرا و دقت) از دیدگاه معلمان. دانشگاه تربیت معلم
- شکرکن، حسین؛ برومندنسب، مسعود؛ نجاریان، بهمن و شهنی بیلاق، منیجه. (۱۳۸۱). بررسی رابطه ساده و چندگانه خلاقیت، انگیزه پیشرفت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهیدچمران اهواز، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال نهم، شماره های ۳ و ۴، صص: ۱-۲۴
- شهشهانی، محمدحسن. (۱۳۸۷). کارآفرینی، ایجاد، پایش و رشد کسب و کار، کرج: در دانش بهمن.
- شیخان، ناهید. (۱۳۸۸). آموزش و ترویج کارآفرینی میان دانش آموزان، مجله سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۴۵، صص ۲۷۲-۲۸۱.
- صمدآقایی، جلیل. (۱۳۹۰). خلاقیت جوهره کارآفرینی، تهران: مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران.
- کول، ونیتا. (۱۳۸۰). برنامه آموزش و پرورش در پیش از دبستان، ترجمه فرخنده مفیدی، تهران: سمت.

گروه آموزشی سازمان همیاری اشتغال دانش آموختگان جهاددانشگاهی. (۱۳۸۶). نقش آموزش‌های اولیه در توسعه و پرورش مهارت‌های کارآفرینی. سایت WWW. Jobiran.ir

گروه آموزشی سازمان همیاری اشتغال دانش آموختگان جهاددانشگاهی. (۱۳۸۱). مروری بر وضعیت کارآفرینی در ایران. سایت www. Jobiran.ir

لطف آبادی، حسین. (۱۳۸۵). نقش سنجش و ارزشیابی در فرایند یاددهی - یادگیری. مجله نوآوری‌های آموزشی. وزارت آموزش و پرورش. شماره ۱۸.

محمدی، محمد حسن میرزا؛ پورطهماسبی، سیاوش؛ تاجور، آذر. (۱۳۸۷). موانع و راهکارهای کارآفرینی در نظام آموزش عالی ایران، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۹۶ و ۹۷، خرداد و تیر، ۳۴-۴۷.

ملکی، حسن. (۱۳۸۲). برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل). مشهد: پیام اندیشه، چاپ پنجم.

هیسریچ، رابرت دی و مایکل پی. پیترز. (۱۳۸۵). کارآفرینی، ترجمه علیرضا فیض بخش. حمیدرضا تقی یاری. تهران: دانشگاه صنعتی شریف، موسسه انتشارات علمی، جلد اول، چاپ سوم.

- Bourgeois. Ania. (2012). Entrepreneurship Education at School in Europe. National Strategies, Curricula and Learning Outcomes. published by the Education, Audiovisual and Culture Executive Agency.
- Cromie, J. and Johns, S. (1983). Irish entrepreneurs: some personal characteristics, *Journal of Occupational Behaviour*, 4, 317- 324
- Commission of the European Communities, CCE. (2006). Implementing the Community Lisbon Programme: Fostering entrepreneurial mindsets through education and learning. Communication from the Commission to the Council, the European Parliament, the European Economic and Social Committee and Committee of the Regions. Retrieved from <http://eur-Lex.europa.eu>
- Consortium for Entrepreneurship Education. (2004). National Content Standards for Entrepreneurship Education, www.entre-ed.org/Standards_Toolkit/standards. pp. 10- 30
- Cooper, et al. (2003). Stepping out of the Classroom and up the ladder of Learning: an experiential learning approach to entrepreneurship education. *Industry & Higher Education*. Vol. 18 No. 1, PP. 11-22.

- Danish Foundation for Entrepreneurship. (2011). Impact of Entrepreneurship Education in enmark. www. Fondenforentreprenoerskab.Dk
- Education, Audiovisual and Culture Executive Agency. (2012). Entrepreneurship Education at School in Europe. National Strategies , Curricula and Learning Outcomes. published by the Education, Audiovisual and Culture Executive Agency (EACEA P9 Eurydice and Policy Support). Or This document is also available on the Internet ([http:// eacea. ec. europa. eu/ education/ eurydice](http://eacea.ec.europa.eu/education/eurydice)).
- Kent, C. A. (1990). *Introduction: Educating the Heffalump. Entrepreneurship Education: Current Developments, Future Directions*. New York: Quorum books, 1- 26.
- Koopman, Ruud, Hammer, Matthijs and Hakkert, Arjan. (2013). Teaching teachers in effectual entrepreneurship. In: 2nd Effectuation conference, June 3rd & 4th.
- Krueger, A.B. and M. Lindhal. (2001). Education for growth: Why and for whom. *Journal of Economic Literature*, 34, 1101- 1136.
- Kuip, Isobel van der, Verheul, Ingrid & Zoetermeer. (2003). Early Development of Entrepreneurial Qualities: the Role of Initial Education. Scientific Analysis of Entrepreneurship and SMEs. June 2003. Pp: 1- 27 [www. eim. nl/ smes-ntrepreneurship](http://www.eim.nl/smes-ntrepreneurship)
- Huber, Laura Rosendahl; Sloof, Randolph; Praag, Mirjam Van. (2012). The Effect of Early Entrepreneurship Education: Evidence from a Randomized Field Experiment. ZA Discussion Paper No. 6512 pp 4 – 35.
- Melissa. (2012). Entrepreneurship Education Isn't Business Education. 9 April. www.bizinaboxx.com
- Gastin, Mike. (2011). Eight Reasons to Teach your Child Entrepreneurship. available on [www. MikeGastin.com](http://www.MikeGastin.com) .on 16 Jun.
- Gabrielsson, J. Tell, J. & Politis, D. (2010). Business simulation exercises in small business management education: using principles and ideas from action learning. *Action Learning: Research and Practice*, Vol. 7 (Iss. 1), 3-16.
- Gibb, A. (1992). Enterprise culture and education. *International Small Business Journal*, Vol. 11 No. (3), pp.11-34
- Gurol, Y. Astan, N. (2006). Entrepreneurial Characteristic Amongst University Student, *Education Training*, 30, 1, p 25- 38.
- Otuya, Kibas. Otuya Robert Otuya, Peter Kibas, Janet Otuya. (2013). A Proposed Approach for Teaching Entrepreneurship Education in Kenya. *Journal of Education and Practice*, Vol.4, No.8, 2013. Pp 204 – 210 . www.iiste.org
- Unger, J.M. A. Rauch, M. Frese, and N. Rosenbusch. (2011). Human capital and entrepreneurial success: A meta-analytical review. *Journal of Business Venturing*, 26 (3), 341358.

- Sánchez, J. C. (2010). University training for entrepreneurial competencies: Its impact on intention of venture creation. *International Entrepreneurship and Management Journal*, April, 1-16.
- Heinonen & Poikkijoki. (2006). An entrepreneurial-directed approach to entrepreneurship education: mission impossible?, *Journal of Management Development*, 25(1)
- Raposo, Mário and do Paço Arminda. (2011). Entrepreneurship education: Relationship between education and entrepreneurial activity. *Psicothema* 2011. Vol. 23, no 3, pp. 453-457 .www.psicothema.com
- Tan. (2006). A problem-based Learning approach to Entrepreneurship Education. *Education Training*. Vol 48, No 6, PP 416- 428.
- Faoite, et al. (2003). Education and Training for Entrepreneurs, *Education Training*. Vol 45, No 9, PP, 430- 438.
- Gartner, W.B. (1989). What are we talking about when we talk about entrepreneurship?, *Journal of Business Venturing*, 5, 15- 28
- Shanan, Gibson, G. Harris, Michael L. Barber, Dennis. (2009). An Attitude Approach to the Prediction of Entrepreneurship on Student at Institution of Higher Learning in Malaysia, *International Journal of Business and Management*, 4, 129- 135.
- Huber, Laura Rosendahl; Sloof, Randolph; Praag, Mirjam Van. (2012). The Effect of Early Entrepreneurship Education: Evidence from a Randomized Field Experiment. ZA Discussion Paper No. 6512 pp 4 – 35.
- Hartog, J. M. Van Praag, and J. Van Der Sluis, (2010). If you are so smart, why aren't you an entrepreneur? Returns to cognitive and social ability: Entrepreneurs versus employees, *Journal of Economics & Management Strategy*. 19 (4), 947-989.
- Unger, J. M. A. Rauch, M. Frese, and N. Rosenbusch. (2011). Human capital and entrepreneurial success: A meta-analytical review, *Journal of Business Venturing*, 26 (3), 341-358.
- Kuip, Isobel van der, Verheul, Ingrid & Zoetermeer. (2003). Early Development of Entrepreneurial Qualities: the Role of Initial Education. Scientific Analysis of Entrepreneurship and SMEs. June 2003. Pp: 1- 27
- Kuip, I. van der and I. Verheul. (2004). Early development of entrepreneurial qualities: the role of initial education, *international. Journal of Entrepreneurship Education*, forthcoming
- Kuip, Isobel van der, Verheul, Ingrid. (2003). Early Development of Entrepreneurial Qualities: the Role of Initial Education, Scientific Analysis of Entrepreneurship and SMEs, www.eim.nl/smes-ntrepreneurship
- Koopman, Ruud. Hammer, Matthijs. and Hakkert, Arjan. (2013). Teaching teachers in effectual entrepreneurship. In: 2nd Effectuation conference, June 3rd & 4th, children.